دو شهید از دو نسل مختلف

شهید حسینعلی پورابراهیمی مثل شهید عباس دانشگر که دیروز گفت و گو با برادرش را در صفحه پایداری خواندید، ۲۰ خردادماه ۹۵ به شهادت رسیده است. دو همرزم از دو نسل کاملاً متفاوت؛ حسینعلی متولد سال ۵۰ و از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس بود و عباس متولد سال ۷۲ و از جوانان نسل بعد از جنگ، اما انگار دل این دو رزمنده برای یک عشق می‌تپید که سرنوشت‌شان این طور به هم گره خورده است. این شهدا با هر نسل و هر مسلکی که باشند، دل در گرو مهر اهل بیت(ع) دارند و با رمز «دفاع از حرم» هزینه‌های گسترش توحید و عدالت در سراسر جهان را با خونشان می‌پردازند. شعار جبهه مقاومت اسلامی «اسلام بدون مرز» است و جهادگرانش از نسل‌ها، نژادها و حتی مذاهب مختلف در جبهه استضعاف علیه استکبار، تا آخر ایستاده‌اند.

ع.م

گفت‌وگوی «جوان» با یکی از اقوام شهید مدافع حرم، حسینعلی پورابراهیمی که ۲۰ خرداد ۹۵ آسمانی شد

جاذبه تل زینبیه حسین را به سوی شهادت کشاند

■ شکوفه زمانی

شهید حسینعلی پورابراهیمی اولین شهید مدافع حرم شهرستان آستانه اشرفیه است که ۲۰ خردادماه ۹۵ در دفاع از حرم اهل بیت به شهادت رسید. چند روز پیش (۲۴ خرداد) در حالی با یکی از اقوامش به گفت و گو نشستیم که پیکر شهید آماده تشییع و خاکسپاری در گلزار شهدای رشت می‌شد. بنابراین تردید داشتیم با خانواده‌ای که به تازگی عزیزی از دست داده چطور وارد گفت و گو شویم. به هر حال دل به دریا زدیم و سید مصطفی پورقاسم شوهر خواهر شهید که اتفاقاً از همرزمان دوران دفاع مقدسش نیز بوده، با گشاده‌رویی دقایقی همکلاممان شد. برگ‌هایی از زندگی و منش جانباز شهید پورابراهیمی را که تا همین چند روز پیش در میان ما بود پیش رو دارید.

شهید حسینعلی پورابراهیمی در کنار کودکان عراقی

گویا شهید در عین اینکه سن زیادی نداشت، از رزمندگان دفاع مقدس بود؟

بله؛ حسینعلی سال ۱۳۵۰ در روستای درگاه از توابع شهرستان آستانه اشرفیه به دنیا آمده بود و وقتی که جنگ تمام شد تنها ۱۷ سال داشت. با این وجود همراه یکدیگر توفیق حضور در جبهه‌ها را یافتیم. وقتی هم که بحث دفاع از حرم پیش آمد، او نگفت زمان جنگ دینم را ادا کردم و جانباز دفاع مقدس هستم و باز رخت رزم پوشید. دو بار به سوریه اعزام گرفت که بار دوم به شهادت رسید.

چطور شد که تصمیم گرفت مدافع حرم شود؟

در سفر اربعین سال ۹۴ که با هم بودیم، نمی‌دانم در تل زینبه چه اتفاقی افتاد که ایشان از آنجا تصمیم جدی خود را گرفت تا داوطلبانه برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) راهی شود. وقتی که از کربلا برگشتیم، بحث رفتن به سوریه را پیگیر شد و حتی آموزش‌های نظامی را در همین زمینه دید. بار اول دو ماه رفت سوریه و بازگشت. منتها وقتی که شنید دو تن از همرزمانش به شهادت رسیده‌اند، دوباره تصمیم به رفتن گرفت. خصوصاً آنکه یکی از آن دو عزیز شهید سعید مسافر بود که با حسینعلی خیلی صمیمی بودند. این طور شد که یکبار دیگر میثاقش با عمه سادات را تجدید کرد و باز راهی شد.

روحیات شهید طوری بود که احتمال شهادتش را بدهید؟

به نظرم برای خود حسینعلی مسجل شده بود که شهید خواهد شد. ایشان قبل از آخرین اعزام حتی محل تدفینش را به همسرش نشان داده بود. همسر شهید یک روز به ما گفت: نصف شبی همراه با حسینعلی به گلزار شهدای رشت و بالای سر قبر شهید «مسافر» رفتیم. حسین از این شهید که همرزمش بود خیلی تعریف کرد و به من وصیت کرد وقتی شهید شدم من را در همین جایی که ایستاده‌ام دفن کنید. همسرش هم به شوخی می‌گوید: تا تو شهید بشوی، اینجا پر می‌شود، اما شهید با جدیت به ایشان می‌گوید اینجا جای من است! همین طور هم می‌شود و بعد از شهادت، حسینعلی را همان‌جا دفن کردیم. در همین دومین اعزامش تمام بچه‌های محله و دوستان که او را می‌شناختند اذعان داشتند که حسین دیگر ماندنی نیست؛ چراکه روحیه‌اش خیلی عوض شده بود.

کمی از فعالیت‌های شهید در دوران دفاع مقدس بگویید.

شهید عضو بسیج مسجد صاحب الزمان(عج) روستای درگاه بود و از بچگی در همان محله بزرگ شده بود. همچنین با بچه‌های مسجد ابوذر کرد محله هم ارتباط و همکاری داشت. کرد محله از زمان انقلاب تا کنون نقش فعالی داشت و ۴۸ شهید تقدیم کرده است. حسینعلی برای اولین بار در ۱۴ سالگی جبهه‌های دفاع مقدس را تجربه کرده بود و در عملیات زیادی شرکت کرده بود. تخصصش تخریبچی لشکر قدس گیلان بود و هر کاری از دستش برمی‌آمد برای نظام اسلامی انجام می‌داد. شهید چه مدت هشت سالی که در مأموریت کاری در تهران بود و چه بعدها که ساکن رشت شد، از خادمی و فعالیت در بسیج دست نکشید.

روزی که حرف از رفتن زد کسی از خانواده نخواست مانعش شود؟

وقتی که بار اول به سوریه اعزام شد و دلایل رفتنش به سوریه را پرسیدیم، دیدیم انتخاب شهید یک انتخاب معنوی است. چون شهید برادر خانمم بود خب یک رابطه بسیار دوستانه با هم داشتیم و با آنکه بنده می‌دانستم حضور در سوریه به علت مسائل عقیدتی، سیاسی و اجتماعی یک ضرورت است و گذشته از آن که رفتن به سوریه یک تکلیف است، از ایشان خواستم حداقل بگوید چرا می‌خواهد این کار را بکند. حسینعلی هم گفت حالا که فرصت جهاد پیش آمده چرا از آن استفاده نکنیم. حالا اگر در این مسیر به درجه شهادت برسیم چه بهتر، حتی به درجه جانبازی هم نائل شویم باز هم در این فرصت جهادی که خدا به ما داده است پیروزیم و با رفتن خود به عنوان مدافع حرم حداقل توانسته‌ایم تکلیف خود را در این مسیر درست انجام دهیم. حسینعلی اعتقاد داشت چرا باید منتظر بمانیم تا دیگران پرچم اسلام را بردارند و ما برویم زیر آن پرچم؟ چه خوب است ما زودتر از دیگران اقدام بکنیم و در واقع خودمان طلیعه‌دار این عرصه باشیم. حتی وقتی که شهید برای بار دوم می‌خواست به سوریه اعزام شود من گفتم تو یکبار رفتی و تکلیف خود را انجام دادید دیگر برای چه می‌روید، به من پاسخ داد: باید پرچم اسلام را همیشه محکم نگه داریم. به نظر من سخن سردار سلیمانی خیلی بجاست که می‌گویند اغلب بچه‌های جنگ دفاع مقدس و بچه‌هایی که در دفاع از حرم شهید می‌شوند از قبل به عنوان شهید انتخاب شده‌اند که قسمت هر کسی نیست. واقعاً در حسینعلی پورابراهیمی نیز همین اتفاق افتاده بود و او از قبل شهید شده بود. در ذهنیت همه شهید شدن حسینعلی عمومی شده بود. همه می‌دانستند او اگر این دفعه به سوریه برود دیگر برگشتی در کار نیست.

نحوه شهادتشان چطور بود؟

شهید در سوریه مسئول یکی از واحدهای مستقر در حلب بود که در درگیری با نیروهای داعش در روستای «الحمره» مجروح می‌شود و سه روز به کما می‌رود. نهایتاً حسینعلی به دلیل شدت جراحات وارده به پشت و سر و گردن شب جمعه در ۲۰ خردادماه به درجه رفیع شهادت نائل می‌آید. روز بعد یعنی ۲۱ خرداد خبر شهادتش از طریق همرزمانش به ما اطلاع داده شد. شهید از جانبازان ۲۰ درصد جنگ تحمیلی بود که ۱۹ ماه در جبهه‌های دفاع مقدس سابقه حضور داشت و زمانی که در فعالیت‌های دولتی نیز مأموریت داشتند باز هم برای بار چندم به درجه جانبازی نائل آمده بود.

برداشت شما از انگیزه اعزام مردانی مثل شهید پورابراهیمی به جبهه مقاومت اسلامی چیست؟

بعضی‌ها فکر می‌کنند فقط مردم عام و از طبقه محروم یا حتی از قشر کم‌سواد، جبهه و جنگ با دشمنان را انتخاب می‌کنند. در صورتی که این طور نیست. حسینعلی بسیار آدم آگاه و باسوادی بود که کارشناسی ارشد داشت و سالیان سال در تهران رشته جامعه‌شناسی درس خوانده بود. بعد هم در رشته جغرافی سیاسی ادامه تحصیل داده بود. اهل مطالعه و تجزیه و تحلیل سیاسی بود و از طرفی به لحاظ مالی مشکلی نداشتند. ولی عشق و تکلیفی فرامادی حسینعلی پورابراهیمی را به سوریه کشاند و در حقیقت حضور او پاسخ محکم به کسانی بود که فکر می‌کنند مدافعان حرم به خاطر دریافت مادیات وارد عرصه جنگ با تروریست‌ها می‌شوند. در صورتی که حسین بسیجی وار و به صورت داوطلبانه عازم سوریه شد. امروز امثال حسینعلی‌ها خیلی هستند. کسانی که از همه داشته‌های مادی‌شان برای پاسداشت ارزش‌ها می‌گذرند و راهی نبرد با تروریست‌ها در جبهه مقاومت اسلامی می‌شوند.

شهید فرزندی هم داشت؟

بله، دو پسر داشت.

شهید پورابراهیمی به عنوان یک همسر و پدر خانواده چه منشی داشت؟

بنده مدرس جامعه‌شناسی در دانشگاه هستم و یک درس تحت عنوان جامعه‌شناسی خانواده تدریس می‌کنم. از نکات مهم این درس پرداختن به انواع شکل ازدواج‌ها است. امروز کمتر ازدواجی داریم که بر پایه و اساس عشق حقیقی صورت گرفته باشد. بنده وقتی که به ازدواج حسین فکر می‌کردم خود به خود سریال شوق پرواز در ذهنم تداعی می‌شد حالا نمی‌خواهم بگویم زندگی عاشقانه حسین و همسرش کپی زندگی شهید بابایی و همسرش است ولی واقعاً در مدت زمانی که با هم بودند عاشقانه با هم زندگی کردند و رابطه‌شان فراتر از امر ازدواج بود و عمق داشت. بعد از شنیدن خبر شهادت حسین، همسر و فرزندانشان در خلوت تنهایی خودشان اشک می‌ریزند و آن صبر جمیلی که خداوند عنایت می‌کند به وضوح در این خانواده مشاهده می‌شود.

در پایان اگر خاطره و ناگفته‌ای از شهید دارید بیان کنید؟

گریه‌های حسینعلی و خواندن زیارت‌هایش و نمازش همیشه برای من خاطره است. ولی در طول سفری که با او در سال ۹۴ به کربلا داشتم، محبتی که حسین به دیگران به خصوص به کودکان عرب داشت، نظرم را جلب می‌کرد و هر کجا می‌رفتیم سریع با اهالی آن منطقه رابطه اخوت و دوستی برقرار می‌کرد و برخوردی متفاوت‌تر از دیگران داشت که ما نداشتیم. یادم است پای چپش که جانباز بود به طور کلی آسیب دیده بود و دکتر از پیاده‌روی زیاد او را منع کرده بود، ولی توجه نمی‌کرد و در اربعین حسینی به راهش به سوی کربلا ادامه می‌داد.

گفت‌وگو

شهید شاخص جامعه عشایری در گفت‌وگوی «جوان» با احمد سعیدی

شهیدی که ۷۰ نفر را به جبهه می‌آورد

■ غلامحسین بهبودی

سازمان بسیج مستضعفین از سال ۸۸ اقدام به معرفی شهید شاخص سال این سازمان می‌کند که به تبع آن اقشار مختلف بسیج نیز هر کدام شهید شاخص سال قشر خود را معرفی می‌کنند. اخیراً که سازمان بسیج عشایری شهید حاج حسن آباد را به عنوان شهید شاخص قشر خود در سال ۹۵ معرفی کرده است، به سراغ احمد سعیدی جانشین این سازمان رفتیم تا هرچه بیشتر با یکی دیگر از ستارگان درخشان آسمان شهدای این مرز و بوم آشنا شویم.

معیار شما برای انتخاب شهید شاخص بسیج عشایری چیست؟

انتخاب شهید شاخص تدبیری بود که سردار نقدی از سال ۱۳۸۸ داشتند. البته ما اعتقاد داریم همه شهدای کشورمان، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب نمونه و شاخص هستند، اما بعضی از این شهدا به واسطه مسئولیت‌هایشان در جبهه، مدت حضور، سیره‌های اخلاقی و عملی و... به عنوان شهدای شاخص انتخاب می‌شوند. ما نیز در سازمان بسیج عشایری بنا را بر این گذاشته‌ایم شهدای شاخص را از استان‌هایی انتخاب کنیم که تا کنون شهید شاخصی از آنجا انتخاب نشده است. بعد هم بین شهدای استان‌ها متناسب با ویژگی‌هایی که عرض کردم، شهیدی را انتخاب می‌کنیم. امسال دو شهید را در کمیسیون مطرح کردیم که شهید حاج حسن آباد انتخاب شدند.

شهید آباد خیلی برای نسل جوان شناخته شده نیست، اگر می‌شود کمی از خصوصیات اخلاقی این شهید بگویید.

ایشان از عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد بودند. در خصوص ویژگی‌های عشایر این استان به همین یک جمله بسنده می‌کنم که حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرمایند: «من در دوران جنگ تحمیلی، به یاسوج و به شهرهای دیگر این خطه آمدم و وضع استان را از نزدیک دیدم. عشایر این استان در میدان جنگ هم بسیار خوب جنگیدند و دفاع کردند.» این شهید بزرگوار دارای تحصیلات مقطع راهنمایی بودند اما به نقل از همرزمانش سواد ادب و شجاعت و شهامتش شهره گردان الزهرا(س) شده بود. حاج حسن مأموریت‌های سخت گردان را داوطلبانه می‌پذیرفت و نقل می‌کنند که هر وقت در گردان احساس کمبود نیرو می‌شد، شهید به محل سکونت خود بازمی‌گشتند و تعداد ۶۰ الی ۷۰ نفر از عشایر را با خود به جبهه می‌آوردند.

گویا شهید آباد در حج خونین سال ۶۶ هم حضور داشتند؟

بله، این شهید بزرگوار در حج خونین سال ۶۶ در میان زائران خانه خدا حضور داشتند و هنگام درگیری مزدوران عربستانی با حجاج به واسطه همان شجاعت و شهامتی که داشتند با چوب و سنگ و آجر دفاع می‌کنند. نقل شده که چندین نفر از سربازان سعودی را از بالای پله به پایین می‌اندازند و حال آنها را جا می‌آورد. شهید آباد قریب به شش ماه به جبهه‌های لبنان و سوریه مأمور شدند که نشان می‌دهد حمایت از جبهه‌های مقاومت از همان ابتدای انقلاب تا کنون استمرار داشته است.

در سال‌های گذشته شهدای شاخص بسیج عشایری چه عزیزانی بودند؟

شهدای شاخص سنوات گذشته بسیج عشایری شهید امامقلی عزیزی از استان فارس، شهید حاج رضا رحمتی‌زاده از استان کرمانشاه، شهید احمد سلیمانی از استان کرمان، شهید محمدعلی شاهمرادی از استان اصفهان، شهید علی غیوری‌زاده از استان ایلام، شهید قاسم مدهنی(لرستان) و امسال هم شهید حاج حسن آباد از کهگیلویه و بویر احمد بودند.

به نظر شما می‌توانیم ویژگی خاصی را برای رزمندگان عشایری در نظر بگیریم؟

وقتی که رژیم بعثی عراق به کشور ما حمله کرد همه اقشار دفاع کردند. اما آنچه مسلم است عشایر به واسطه حضور در مرزها به عنوان اولین مدافعین جنگ تحمیلی هشت ساله با ارتش بعث عراق درگیر شدند و به دلیل روحیه شجاعت، شهامت، غیرت، ولایتمداری، علاقه

به روحانیت و خصوصاً رهبر انقلاب حضرت امام خمینی(ره)، با تمام امکانات و سلاح‌های شخصی از کشورمان دفاع کردند که در واقع عشایر در جنگ تحمیلی جهاد کردند.

سخن پایانی.

حضور عشایر در جنگ تحمیلی از حیث نظامی و روانی قابل اهمیت بود به گونه‌ای که رسانه‌ها در آن زمان تیترهای خبری خاص عشایر را منتشر می‌کردند و واقعاً حضور عشایر مایه امید برای رزمندگان ما و یأس و ناامیدی برای دشمنان بعثی بود. همه عشایر از استان‌های مختلف در تاریخ جنگ برگ‌های زرینی را به نام خود ثبت کردند و شاهد این سخن فرمایش مقام معظم رهبری است که می‌فرمایند «عشایر در جریان جنگ تحمیلی امتحان خوبی دادند و با شور و شوق به میدان آمدند و شهدای بسیاری تقدیم انقلاب و اسلام کردند.»

شهید حاج حسن آباد در یک نگاه

حاج حسن آباد متولد سال ۱۳۳۷ در منطقه عشایری کهگیلویه و بویراحمد بود که از سال ۱۳۶۱ به جبهه اعزام شد و از سال ۶۲ در لشکر ۱۹ فجر شیراز، ۲۵ کربلا و تیپ ۴۸ فتح به عنوان فرمانده گروهان حضور داشت. این شهید بزرگوار که در عملیات مختلفی چون والفجر ۸، والفجر ۴، کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۱۰، فتح‌المبین، رمضان، خیبر، مهران و... شرکت کرد، عاقبت در اثر بمباران هوایی دشمن در تاریخ ۶۶/۱۲/۱۶ به شهادت رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۳۸۴۰

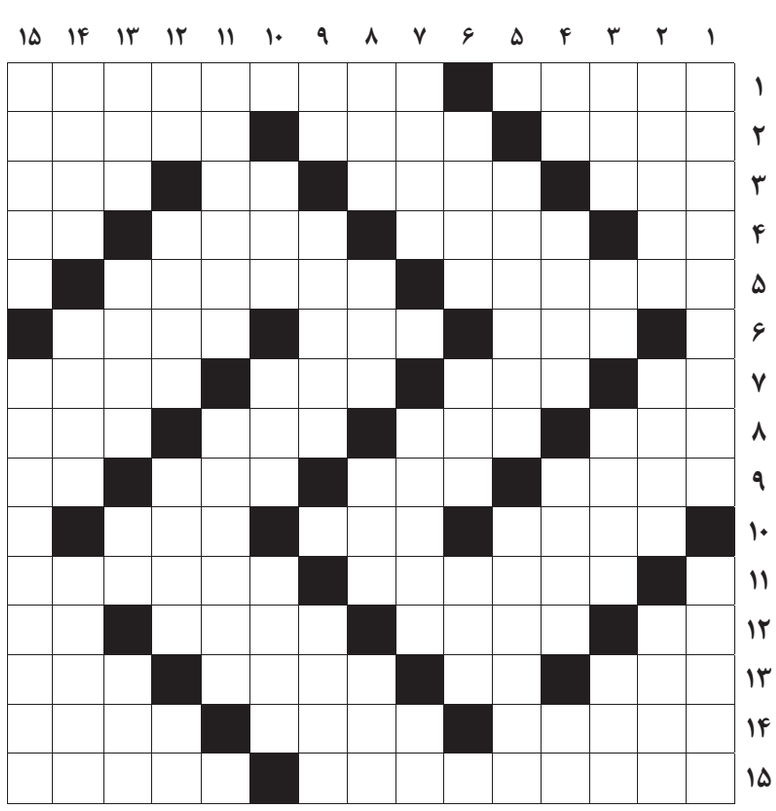

از راست به چپ

■ ۱-ماهی که گناهان را می‌سوزاند- بلندترین نقطه استان لرستان ■ ۲-تاج و تخت پادشاهی-تنها غزوه‌ای که امام علی حضورنداشتند- نی هندی ■ ۳-وفای به عهد- بیابان- سرخ کمرنگ- نظر و عقیده ■ ۴-هرگز عرب- تور بزرگ کاهکشی- سمت راست- دشمن سخت ■ ۵-طبق این اصل قانون اساسی، پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله‌اکبر» است- جیره و مواجب ■ ۶-ماه محبت- خروس مازنی- لحظه سخت خداحافظی ■ ۷-از ما بهتران- از بین بردن- مسافرت دسته‌جمعی- یکی از گروه‌های نژادی آفریقای مرکزی ■ ۸-شرط دوستی- مجانی- ننر- نام باستانی کوه البرز ■ ۹-صحیح- ممانعت- خرس آذری- تپه و پشته ■ ۱۰-وسیله بنایی- رتبه دوست‌داشتنی- سنگ نوشته ■ ۱۱-بوستان معروف شهر تبریز- مدافع تیم ملی فوتبال ایران ■ ۱۲- کلمه شگفتی- جزیره‌ای در اندونزی-سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ- از نت‌های موسیقی ■ ۱۳-بلندترین استخوان بدن- پیچیدن- زمینی که در آن کشت نشده- پایتخت کشور فلاسفه ■ ۱۴-بزرگ‌ترین شهر هند-استارت قدیمی- نویسنده فرانسوی بینوایان ■ ۱۵-مورد هدف قرار دادن- شهر مقدس برهماییان

از بالا به پایین

■ ۱-از آثار خیام نیشابوری فیلسوف و شاعر بزرگ ایرانی قرون پنجم و ششم - دانشگاه معروف فرانسه ■ ۲-صفات تمام موجودات به جز ذات الهی- بیزاری- حاشیه سفید کتاب ■ ۳-نور- جامش معروف است- سوره سبحان- خبر ■ ۴-پسوند خریدار- اسب سیاه- توبه‌کننده- پول ژاپن ■ ۵- رابطه خویشاوند-مایعی در بین قرنیه و عدسی چشم ■ ۶-اولین ماه قمری- سازگاری- از ورزش‌های اشرافی ■ ۷-جنگ و نبرد- از لوازم و اثاثیه پزشکی و بیمارستانی- خطاب بی‌ادبانه ■ ۸-زمستان- جماعت- پر زور- از لوازم تبلیغات ■ ۹-انتها- مامور تشریفات در عصر صفوی-زمین هموار میان دو کوه ■ ۱۰- پیروان یک دین- جایز و شایسته- واحد طول غربی ■ ۱۱- ترشی چاشنی غذا- فضای داخل موتور درون‌سوز که احتراق سوخت در آن انجام می‌شود ■ ۱۲- رمق آخر- تارمی چوبی یا فلزی- ایالتی در آمریکا- نفس خسته ■ ۱۳-فنی در کشتی- سخن بیهوده- بهره- صدا و آواز ■ ۱۴-زحمت و دردسر- فرزندان- کناس ■ ۱۵-از نخست‌وزیران شاه که در سال ۵۷ اعدام شد- امپراتوری که اسیر شاپور اول ساسانی شد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۷				۲	۱			۸
				۸		۹		۲
۸			۶	۷				
		۵				۳		
							۴	
	۷	۱	۲		۹			
						۷	۵	۹
۳	۱							
	۶		۸		۴			

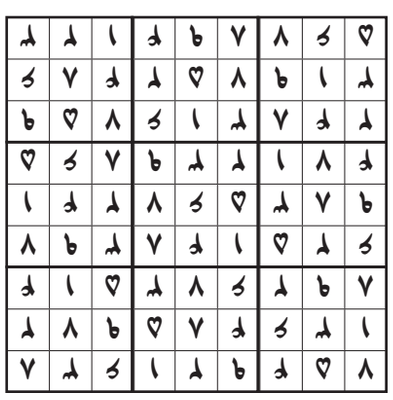

جدول کلمات متقاطع
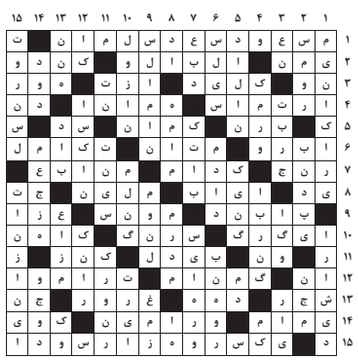
پاسخ جدول شماره ۳۸۳۹